

«به خاطر یک مشت آجیل» به نوروز ۱۴۰۴ می‌رسد

به‌خاطر یک مشت آجیل» عنوان یک مجموعه مناسبی است که در چهارچوب احیای سبک زندگی ایرانی - اسلامی و آیین‌های سنتی ویژه استان گیلان، نوروز ۱۴۰۴ به قاب تلویزیون می‌آید. این مجموعه به تهیه‌کنندگی علیرضا خرسند و کارگردانی مشترک با سیاوش قاسمی در ۱۳قسمت ویژه نوروز در دست ساخت است. کارگردان و تهیه‌کننده این مجموعه تلویزیونی گفت: این سریال، به مشکلات مردم

به‌ویژه قشر متوسط و ضعیف جامعه برای تامین مخارج شب عید می‌پردازد. به‌خاطر یک مشت آجیل درباره یک خانواده از سطح متوسط جامعه است که دغدغه‌های زیادی برای تامین لباس و خورد و خوراک شب عید خود دارند و دچار چالش‌های زیادی می‌شوند. به گفته علیرضا خرسند، این سریال با فیلمنامه‌ای نوشته شهید ضیایی، ۲۴ کاراکتر دارد که سعی شده در کنار چهره‌ها، از بازیگران تئاتر برای معرفی

اقبال به اقتباس

فیلمنامه‌نویس سریال «طوبی» در گفت‌وگو با «جام‌جم»، جزئیات روایت، تولید و خلق کاراکترهای این مجموعه را با برداشت آزاد از یک رمان ایرانی تشریح می‌کند



سایده اشرفی
آرکوه رسانه

سریال «طوبی» نه فقط به‌واسطه قاب‌های ماندگار از دل تاریخ که به‌دلیل روایت سرراست و گیرایی که دارد، توانسته در شب‌های متوالی، مخاطب تلویزیون را پای خود ماندگار کند. طوبی با برداشت آزاد از یک رمان و تغییراتی که فیلمنامه‌نویس آن اعمال کرده، مناسب مخاطب رسانه‌ملی شده تا همدلی و وحدت مردم ایران و عراق را به نمایش بگذارد؛ هرچند که باید اذعان کرد، فراتر از یک همدلی و وحدت تلاش کرده بخش‌های ناگفته از تاریخ را بیان کرده و نشان دهد که مسیر پیاده‌روی اربعین چه مصیبت‌هایی را پشت‌سر گذاشته تا

امروز به این امنیت و آسودگی برسد. سیدحسین امیرجهانی در قامت فیلمنامه‌نویس طوبی، پیش از این آثاری همچون «نجلا»، «نجلا»، «سرجوخه»، «پدر»، «پرچ فلک»، «حکایت‌های کمال»، «برسر دوراهی» و بسیاری از مجموعه‌های دیگر را به نگارش درآورده بود. او در هرکدام از این مجموعه‌ها به فراخور ژانر آن، روایت متفاوتی را قلم زده تا مخاطب با قصه متفاوتی روبه‌رو باشد. او در مجموعه طوبی، تلخی‌های زندگی یک دختر ایرانی را روایت می‌کند که تکه‌های سرنوشتش را از میان تاریخ ایران و عراق کنار هم گذاشته تا خانواده‌اش را حفظ کند.

امیرجهانی، نویسنده این سریال در گفت‌وگویی که با جام‌جم داشته، از سریال طوبی گفته و درباره اقتباس و برداشت آزاد از این اثر صحبت کرده است. وی در این گفت‌وگو عنوان کرده است: «گاهی هم برخی رمان‌ها اتمسفر و حال و هوای خوبی برای روایت به تو می‌دهد. این را دیگر نمی‌توان اقتباس نامید؛ الهام گرفتن یا برداشت آزاد تعبیر درست‌تری است. به همین خاطر در تیتراژ طوبی عنوان «برداشت آزاد» قید شده است.» گفت‌وگوی فوق، روایتی از جزئیات نگارش و اجرای سریال طوبی در گفت‌وگو با نویسنده این مجموعه است.

آرکوه
سریال طوبی آن‌طور که گفته شده برداشتی از کتاب اربعین طوبی است و این پرسش مطرح می‌شود که در این کار، چقدر به منبع اصلی وفادار بوده‌اید یا دست به تغییرات زده‌اید؟

تأیستان سال ۱۳۹۸ بود که سیمافیلم برای این کار از من دعوت به همکاری کرد. بخش‌هایی از کتاب اربعین طوبی برام جذاب بود و بخش‌هایی را نیز دوست نداشتم و احساسم بر این بود که به لحاظ داستانی موقعیت دراماتیک ندارد. بنابراین همان موقع اعلام کردم من قصه خودم را با برداشتی آزاد از این آثار روایت خواهم کرد. در نهایت طرحی نوشته و بازتویسی‌های متعددی انجام دادم و همین باعث شد خواسته یا ناخواسته قصه طوبی از رمان فاصله زیادی بگیرد.

آرکوه
پس در حین نگارش برای تصویرسازی و روایت به کتاب رجوع نکردید؟

من رمان را تنها یک‌بار همان ابتدا و پیش از نگارش طرح اولیه، مطالعه کردم و دیگر به آن مراجعه نکردم. موقعیت اولیه و شخصیت آن را نگه داشتم و بقیه را به دلایل مختلف تغییر دادم. قصه اصلی و قصه‌های فرعی متعددی طرا‌حی کردم که در حین کار بارها و بارها تغییر کرد، حتی به‌مرور کاراکتر طوبی نیز تغییرات بسیار زیادی کرد و ماجرا، مسیر دیگری یافت.

آرکوه
آن‌طور که مشخص است روایت رمان بسیار توصیفی است. این مسأله کار شما را برای برداشت از رمان، سخت کرد؟

به هر حال ادبیات داستانی با ادبیات دراماتیک تفاوت‌های زیادی دارد. شما در رمان دست‌تان باازاست و هر توصیفی می‌توانید انجام دهید. اما فیلمنامه باید عینی باشد. باید همه‌چیز را نشان دهید. اساساً تبدیل مسائل ذهنی به عینی آن هم داستان و دراماتیک کار سخت و البته لذت‌بخشی است. از آنجا که می‌خواستم قصه را از آن خود کنم، این آزادی را برای قلم و ذهنم قائل شده بودم که بتواند خلاقانه موقعیت‌های داستانی ایجاد کند و در چهارچوب کتاب نماند.

آرکوه
یعنی مهم‌ترین و البته سخت‌ترین کار فیلمنامه‌نویس در اقتباس، تصویری کردن توصیفات رمان است. با این چالش چطور روبه‌رو شدید؟

این بخشی از روند اقتباس است. من رمان‌هایی سراغ دارم که اگر سمت اقتباس از آن بروید، یک اقتباس کامل به شما خواهد داد. در واقع آن‌قدر همه شخصیت‌پردازی‌ها و موقعیت‌ها، درست است که اگر به آن دست بزنِی، خرابش می‌کنی. اما آثاری از این دست در ادبیات داستانی ما زیاد نیست. البته برخی از این رمان‌ها در اولویت‌های موضوعی تلویزیون نیست. به همین دلیل رمان‌هایی مانند اربعین طوبی در حوزه ادبیات داستانی، کتاب‌های قابل توجهی هستند که برای اقتباس ممکن است یک ایده اولیه خوب به تو بدهد. از این جهت من این ایده را گرفته و قصه‌های خود را با آن روایت می‌کنم. ممکن است گاهی یک رمان حتی موقعیت داستانی خوبی نداشته باشد، اما صاحب یک شخصیت تاثیرگذار باشد و شما به‌عنوان فیلمنامه‌نویس با آن شخصیت قصه دیگری بگویید.

گاهی هم برخی رمان‌ها اتمسفر و حال‌وهوای خوبی برای روایت به تو می‌دهند.

این را دیگر نمی‌توان اقتباس نامید؛ الهام گرفتن با برداشت آزاد تعبیر درست‌تری است. به همین دلیل در تیتراژ طوبی عنوان «برداشت آزاد» قید شده است.

آرکوه
یعنی ایده اولیه را از کتاب گرفتید؟ کاراکترها چطور؟

این ایده که یک دختر جوان ایرانی به واسطه اتفاقی سیاسی، ناچار به مهاجرت به عراق می‌شود را از کتاب گرفتم. البته من این تجربه را در دو فصل نجلاهم داشتم که قصه‌ای را به فضای عراق پیوند بزنم. بنابراین یک ایده اولیه را از کتاب داشتم و بخش زیادی از پرداخت کاراکترها و روابط میان شخصیت‌ها ساخته و پرداخته ذهن خودم

بود. طوبی شخصیت‌های متعدد و چندین پیرنگ دارد که قصه‌ها و شخصیت‌ها در دل موقعیت‌های مختلف درهم تنیده می‌شود. اگر اشتباه نکنم رمان ۲۵۰ صفحه بود در حالی‌که من برای سریال طوبی حدود ۹۰۰ صفحه سیناپس و نزدیک ۱۷۰۰ صفحه فیلمنامه نوشتم. شخصیت‌ها و موقعیت‌های سریال آن قدر از کتاب فاصله گرفته که اکنون پایان سریال برای کسانی که پیش از این، آن را خوانده بودند غیرقابل حدس است. در وضعیت فعلی حتی ناشر و نویسنده کتاب نیز نمی‌توانند حدس بزنند سرانجام شخصیت طوبی و دیگر شخصیت‌ها

و پیرنگ اصلی و پیرنگ‌های فرعی چه خواهد بود؛ زیرا تغییر موقعیت و تغییر کاراکتر طوبی و حضور شخصیت‌های متعدد و قصه‌های گوناگون به این ایده اولیه اضافه کرد که مسیر سریال و قصه را به سمت دیگری ببرد. این نوید را می‌دهم که پایان همه شخصیت‌های داستان برای مخاطبان غافلگیرکننده خواهد بود.

آرکوه
یک نکته درباره کاراکترهای سریال طوبی، چندپایه بودن آنهاست. یعنی از همان ابتدا و با قاطعیت نمی‌توان درباره سفیدی یا سیاه‌بودن آنها اظهارنظر کرد. انگار بیشتر شخصیت‌ها، چندپایه و پیچیده هستند. این را می‌توان در کاراکتر جهانگیر ثانی هم دید. چقدر این موارد را فکر شده و عامدانه در فیلمنامه قرار دادید؟ در واقع برخی فیلمنامه‌نویسان آن‌قدر دقیق جزئیات یک کاراکتر را مشخص می‌کنند که یک شناسنامه یا جزئیات برای آنها طراحی می‌کنند. شما در کاراکترسازی چقدر به این جزئیات توجه کردید؟

من اساساً این‌طور نیستم که از قبل، برای شخصیت‌ها شناسنامه بنویسم. کلیت این‌که چه کاراکتری است و چه هدفی دارد را برای خودم در نظر می‌گیرم، اما

این‌طور نیست که بخواهم جزئیات آن را به شکل مکتوب و از قبل داشته باشم. من فیلمنامه را می‌نویسم و اجازه می‌دهم با جلورفتن فیلمنامه، از دل روابط و موقعیت‌ها، شخصیت خودش را به من نشان دهد. اجازه می‌دهم کاراکتر در موقعیت‌های متعددی گرفتار شود تا از خود واکنش‌های مختلفی نشان دهد. شخصیت‌ها در موقعیت‌های مختلف خودشان را به من نویسنده تحمیل می‌کنند؛ مثلاً ممکن است کاراکتری منفی اما در قامت یک پدر یا همسر از خود رفتارهای عاشقانه داشته باشد. اینچنین از دل تلاطم‌ها و حوادث شخصیت ابعاد خود را نشان می‌دهد.

کلیت این‌که کاراکتر به چه سمتی می‌رود را از قبل طراحی می‌کنم اما جزئیات شخصیت را در موقعیت‌های داستانی شکل می‌دهم، مثلاً در نجلای ۲، شخصیت ژنرال عراقی را نشان دادم که برای کمک

به ایران از بعث بریده و تلاش می‌کند به ایران بپیاید. از یک جایی به بعد این خود کاراکتر بود که به من نویسنده تحمیل کرد که می‌تواند یک نفوذی باشد و همه ماجراهایی که پشت‌سر گذاشت، طرح و توطئه‌ای بوده تا خود را سفید کرده و مورداعتماد قرار گیرد تا در نهایت خیانتی که می‌خواهد را در ایران انجام دهد. اینچنین یک کاراکتر معمولی از تیپ به شخصیت تبدیل شد و ابعاد پیچیده‌ای از خود بروز داد. در عین حال، من همیشه تلاش می‌کنم با همه شخصیت‌های جهان داستانم، قصه بگویم.

به ایران از بعث بریده و تلاش می‌کند به ایران بپیاید. از یک جایی به بعد این خود کاراکتر بود که به من نویسنده تحمیل کرد که می‌تواند یک نفوذی باشد و همه ماجراهایی که پشت‌سر گذاشت، طرح و توطئه‌ای بوده تا خود را سفید کرده و مورداعتماد قرار گیرد تا در نهایت خیانتی که می‌خواهد را در ایران انجام دهد. اینچنین یک کاراکتر معمولی از تیپ به شخصیت تبدیل شد و ابعاد پیچیده‌ای از خود بروز داد. در عین حال، من همیشه تلاش می‌کنم با همه شخصیت‌های جهان داستانم، قصه بگویم.

در واقع به‌گونه‌ای قصه را جلو می‌برم که هیچ‌کدام از شخصیت‌هایم قابل حذف شدن نباشند. این برای من اهمیت بسیاری دارد که فارغ از تبدیل شدن شخصیت به تیپ یا چیز دیگر، این شخصیت قابل حذف نباشد و در عین حال برداشتن آن به قصه آسیب نزند. برای من تک‌تک شخصیت‌های قصه‌ام مهم

به عرصه تصویر استفاده کنیم. او می‌گوید: لوکیشن‌ها ۶۰ درصد مربوط به تهران و ۴۰درصد دیگر در استان گیلان است. کارگردان به خاطر یک مشت آجیل تصریح کرد: با ساخت این مجموعه رقیب سرسختی برای پایتخت ۷ خواهیم شد. این سریال اولین تجربه سریال‌سازی علیرضا خرسند و سیاوش قاسمی پس از فیلم‌های سینمایی شکستن، بازی اجباری، جادر سفید و دوست من پاچان است.

است تا هیچ‌گاه از طرف مخاطب نادیده گرفته نشود.

ضمن این‌که بیشتر شخصیت‌هایم به جز زمان حال در گذشته‌شان نیز قصه‌ها و پیش‌داستان‌هایی دارند که زیست و رفتار و اعمال‌شان در گذشته روی روابط و قصه‌های امروزشان نیز تاثیرگذار است. کم‌این‌که در طوبی شاهدیم که گذشته پیچیده‌ای بین فخرالدین و جهانگیر در مورد دختری به نام فروغ بوده... یا بین فخرالدین و حاج ملک و اسد... خان پدر فخرالدین ماجرای وجود داشته... همین‌طور بین خانواده فخرالدین و آنیه که هرکدام از آنها می‌تواند خود یک داستان و سریال جذاب باشد. من گذشته را برای همه کاراکترها در نظر می‌گیرم و در عین حال آن را در قصه قید می‌کنم.

به همین خاطر در آثارم قصه و شخصیت‌ها و روابط بین آنها در دل هم تنیده شده و درام را بیش می‌برد.

آرکوه
چیزی که در مسأله قابل حذف نبودن کاراکترهای فرعی اشاره کردید، همان تکنیک تفنگ چخوف است که می‌گوید اگر تفنگی در صحنه بود و تا آخر آن استفاده نکردی باید آن را حذف کنی....

دقیقاً همین‌طور است و درباره ارتباط میان سکانس‌ها هم صدق می‌کند. یعنی تمام تلاش من این است که سکانس‌های سریال هم نقش دراماتیک داشته باشند و نقطه عطف، پیش‌برنده یا نمایش‌دهنده بخشی از قصه باشند. طوبی را نیز با همین شاخصه‌ها جلو بردم و شخصیت‌ها با این موقعیت‌ها عینین شده‌اند و یک‌سری قصه‌های فرعی ایجاد می‌کنند. سکانس‌های این فیلمنامه همچون دومینو پشت سر هم چیده شده و در پی هم آمده و سکانس بعد را می‌سازند. به طوری که اگر شما یکی از سکانس‌ها را حذف کنید سکانس بعد یا رخ می‌دهد یا خفه‌ای ایجاد می‌کند. در همین سریال طوبی یکی از شخصیت‌های فرعی به همین نکته اشاره می‌کند که می‌کوشد همین نقش فرعی خود را به بهترین‌نحوا اجرا کند، زیرا به این مسأله اذعان داشت که حتی نقش کوتاه او نیز قابل حذف از فیلمنامه نیست. فارغ از این در سریال طوبی‌ما شاهد شخصیت‌پردازی‌ها و روابط مختلف و پیچیده‌ای هستیم. به‌عنوان مثال نوع رابطه طوبی و آنیه... یا رابطه آنیه و فخرالدین... روابط و شخصیت همه‌شان پیچیده است و مخاطب نمی‌تواند کنش بعدی آنها را حدس بزند.

آرکوه
اشاره به صحبت با یک بازیگر سر صحنه داشتید. ظاهراً شما در کارهایتان بعد از نگارش هم با تیم و در هنگام تولید، همراه هستید.

من وقتی فیلمنامه می‌نویسم و اثری خلق می‌کنم تا به نتیجه رسیدن و پایان کار در کنار متن فیلمنامه‌ام و کار می‌مانم و همراهیش می‌کنم. یکی از دوستان فیلمنامه‌نویس با من شوخی می‌کرد که «تا تو یک فیلمنامه بنویسی و کارت پخش شود، من دوتا فیلمنامه نوشته‌ام. به جهت این‌که خود را درگیر تولید می‌کنی». حقیقت این است من از همان پیش‌تولید، مدام با بازیگران صحبت می‌کنم و در مورد شخصیت‌شان با آنها گفت‌وگو می‌کنم. در طول تولید هم به همین شکل بوده و تلاشم این است سر صحنه حضور داشته باشم. بسیاری اوقات، هر شب سکانس‌های مربوط به ضبط فردا را ادیت می‌کنم یا حتی سر صحنه و در دورخوانی و تمرین سکانس را تغییر می‌دهم. ارتباطم با کارگردان و در تدوین هم همین‌طور است. در واقع تا پایان پخش همراه تدوین و کارهای پس تولید سریال هستم.

آرکوه
خود آقای سلطانی در مقام کارگردان طوبی چقدر با این تعامل حین ضبط، همراه هستید؟

این اولین تجربه کاری مشترک من و آقای سلطانی بود. با این‌که خیلی به مدل همکاری یکدیگر آشنا نبودیم، اما قبل از وارد شدن به سیناپس، یکی دو جلسه برگزار شد و از همان زمان تعامل میان‌مان ایجاد شد. آقای سلطانی اهل تعامل هستند و به فیلمنامه بسیار پایبند بودند و در عین حال برای هر تغییری در فیلمنامه، با من ارتباط می‌گرفتند. هر چند برخی سکانس‌ها یا برخی لوکیشن‌ها به خاطر شرایط تولیدی از سمت تیم تولید حذف یا جایه‌جا شد که خوشایند من نبود. لوکیشن‌هایی که به حال‌وهوای کار و اتمسفر حاکم بر فضا و موقعیت جغرافیایی و تاریخی به خصوص برای فضای عراق و مناطق مرزی بسیار کمک می‌کرد. اما متأسفانه لوکیشن‌ها در دسترس قرار نگرفت و نادیده گرفته شد. ولیکن در مجموع رابطه کاری خوبی بین من و کارگردان حکمفرما بود.

آرکوه
نکته‌ای که سریال طوبی دارد، روایت تاریخی است که هم‌زمان با قصه اصلی روایت می‌شود. مثلاً در یک قسمت در شهربانی آن زمان، عکس پلیس زن را می‌بینیم و هم‌زمان، مسئول مربوطه حاضر نیست حرف‌های طوبی در قامت یک زن را بشنود. این چقدر برای شما اهمیت داشت که روایت‌تان از تاریخ لایه‌لای قصه اصلی باشد؟

من به عنوان یک نویسنده، نمی‌خواهم لزوماً فقط، یک عرصه داشت تاریخ ارائه کنم. چون مخاطب اگر بخواهد آن را بداند، تاریخ مطالعه می‌کند. برای من در درجه اول قصه مهم است. البته نمی‌خواهم فرم و محتوا را از هم جدا کنم؛ چون به نظرم قابل تفکیک از هم نیستند. اما در همان محتوایی که می‌خواهم کار کنم باید ابتدا ساختار دربیاید و بتوانم قصه بگویم. هرچیزی هم که بخواهم بگویم اول باید قصه بگویم. این را به‌صورت کلی و درباره سینما و تلویزیون می‌گویم. در طوبی هم برای من در درجه اول قصه اهمیت داشت.

سیما

زندگی پس از زندگی بازپخش می‌شود

شبکه قرآن در نظر دارد برنامه «زندگی پس از زندگی» را از فصل اول آن روی آنتن ببرد تا مخاطبان مشتاق امکان تماشای دوباره این برنامه را داشته باشند. زندگی پس از زندگی برنامه‌ای است متفاوت درباره مرگ و عالم ماورای شبکه چهار سیما برای دقایق عرفانی پیش از افطار بوده که روایت افرادی را بیان می‌کند که در تجربه‌ای نزدیک به مرگ از کالبد جسم خارج شده و عالم برزخ را درک کرده و بازگشته‌اند. در این برنامه با سفر به نقاط مختلف ایران و جهان، مخاطبان برنامه، مهمان روایت‌های شگفت‌انگیز تجربه‌گران مرگ تقریبی از عالمی دیگر می‌شوند. هر فصل از این برنامه در ۲۰ قسمت ۹۰ دقیقه‌ای به تهیه‌کنندگی و اجرای عباس موزون در گروه ادب و هنر شبکه چهار سیما تولید شده و تاکنون فصول مختلفی از این برنامه در سال‌های ۱۳۹۹ الی ۱۴۰۳ در روزهای ماه مبارک رمضان پخش شده است. این برنامه در بازه‌های زمانی مختلف توانسته بود عنوان پرمخاطب‌ترین برنامه را از آن خود کند.

آتن

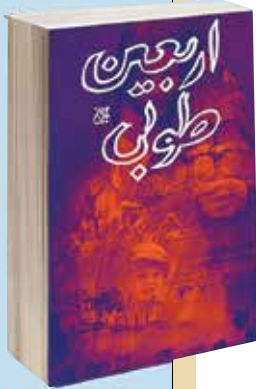
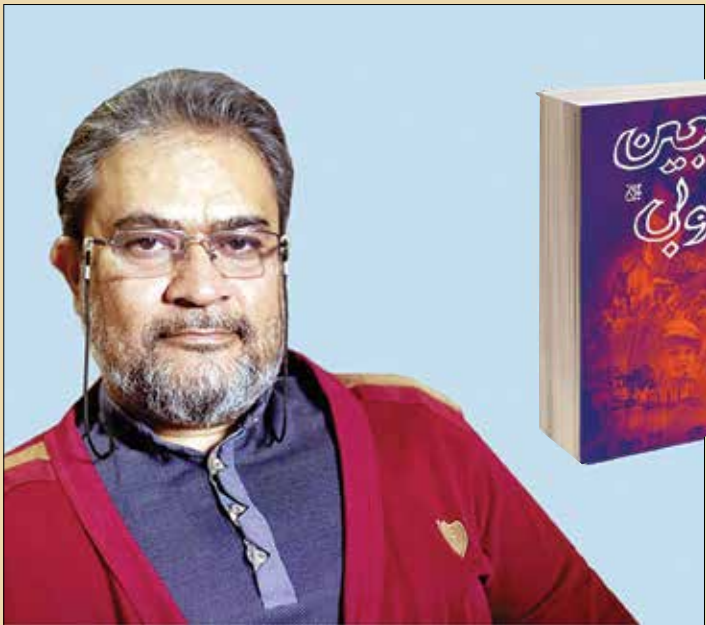
تماشای زندگی در «آئینه عمر»

مجموعه مستند تلویزیونی «آئینه عمر» این روزها روی آنتن شبکه مستند است. در این مجموعه تلویزیونی، زندگی و سلوک علمی و فرهنگی مفاخر ایران به تصویر کشیده شده است. به زندگی افرادی همچون یاقر ساروخانی پدر جامعه‌شناسی ارتباطات ایران، مهدی گلشنی استاد نامدار فیزیک و فلسفه، علی شیرازی استاد برجسته هنر خوشنویسی، سید محمود طباطبائی‌فر چهره ماندگار پزشکی، علی‌اکبر رشاد فقیه و استاد حکمت اسلامی، غلامرضا فیاضی استاد فلسفه و حکمت اسلامی، احمد خاتمی استاد برجسته زبان و ادب فارسی، محمدعلی آذرشب استاد ممتاز زبان و ادبیات عرب دانشگاه تهران، حسن انوری چهره ماندگار زبان و ادبیات فارسی و نصرت... تابش نظریه‌پرداز سینمای اسلامی پرداخته می‌شود. صدرا صدوقی تهیه‌کننده این اثر مستند تلویزیونی است. کارگردانی آن احسن عزیزاده‌فرد بر عهده دارد. این مجموعه تلویزیونی یکشنبه‌ها ساعت ۲۱ از شبکه مستند سیما پخش می‌شود و بازپخش آن روز بعد ساعت ۹ روی آنتن قاب جادو می‌رود.

مرور

دغدغه‌های نویسنده اربعین طوبی

سریال طوبی که برداشتی آزاد از کتاب «اربعین طوبی» است، توانسته در این مدت مخاطبان بسیاری را با خود همراه کند. نویسنده این کتاب پیش از این در گفت‌وگویی که با جام‌جم داشت عنوان کرد: من در رمان دنبال این بودم که برخی مسائل را بیان کنم و باید دید تا پایان سریال این موارد گفته می‌شود یا خیر. مواردی مثل پیوند میان دو ملت ایران و عراق که ملت واحد حسینی هستند و این که اربعینی که الان می‌رویم و در امنیت برگزار می‌شود، آسان به دست نیامده است. زحمات بسیاری در طول تاریخ صورت گرفته تا این امنیت حاصل شود. این زیارت اربعین ریشه‌هایی دارد که تلاش شده در کتاب به آن اشاره کنیم. مسأله سبک زندگی هم در کتاب مطرح شده است. امیدوارم سریال هم موفق باشد و بتواند به این موارد اشاره کند.



ویدئو